

آیا شما مادر خوبی برای فرزند خود هستید؟

آیا رفتار درست و صحیحی با کودک خود دارید؟

فهم و درک و توانایی و شوق و نیاز کودک خود را بسنجید ، تامل در خاطرات ایام کودکی راهنمای بسیار خوبی برای شناسایی فرزندتان خواهد بود ، اساس این شناسایی است، اگر او را بشناسید یقیناً " انتظارات و توقعات خود را با توانائیهای او متناسب خواهید نمود اگر او را و نیازهای روحی او را بشناسید یقیناً " در صدد برآوردن آن نیازها اقدام خواهید نمود .

عده‌ای از مادرها فرزند خود را آنطور که باید نمی‌شناسند و نیازهای روحی و عاطفی او را نمی‌دانند و در نتیجه خود را به رنج و زحمت می‌اندازند و فرزند خود را از نظر عاطفی گرسنه و تشنه نگه می‌دارند . امیدوارم که شما از این مادرها نباشید .

ببینید این مادر بعلت ناآگاهی و ناآشنایی نیازهای روحی دو فرزندش ، با بجه‌هایی که البته بیش از خیلی محبوب و دوست داشتنی هستند ، چگونه نظر می‌دهد .

می‌گوید : کوچکترین حرکت خلافی که از بجه‌هایم - زیور و کامل - ببینم آنقدر ناراحت می‌شوم که حد ندارد ، فکر می‌کنم این بجه‌ها ذاتاً " سالم نیستند که اینهمه شیطنت می‌کنند مثلاً " وقتی مهمان به منزل می‌آید اسباب بازیهایشان را به وسط اتاق می‌آورند و شروع می‌کنند با سرو صدا بازی کردن ۰۰۰۰ و من هرچه تذکر می‌دهم فایده ندارد ، انگار نه

برای این که مادر خوبی برای فرزند خود باشید و رفتار درستی را در برخورد و هدایت فرزندتان انتخاب کنید ، باید تمایلات و نیازهای روحی و عاطفی او را بدانید و به آنها توجه کنید و برای این که نیازهای روانی و عاطفی او را بدانید راه‌های گوناگونی دارید . یکی این که باید به دوران کودکی خود بازگردید . به خاطرات دوران کودکی خود بازگردید . خاطرات دوران کودکی خود را کم و بیش به خاطر آورید و اثر رفتار مادر و پدر و معلم خود را در آن دوران بر خود ببینید ، احساسها ، تمایلات ، نیازها توانائیهها و ناتوانیهای خود را در آن دوران ، در آئینه خاطرات خود مشاهده کنید و از این طریق تا حدودی کودک خود را بشناسید .

کودکی خود را میزان قرار دهید .

اگر فرزند شما ۴ ساله است چه انتظاراتی از او دارید؟ چگونه با او رفتار می‌کنید؟ برای این که بدانید که آیا رفتار شما خوب و سازنده است باید حداقل خود را در دوران چهار پنج سالگی ببینید و شوقها و کششها و نیازهای روحی خود را در آن دوران بررسی کنید و بر این اساس میزان

انگار که من با آنها حرف می‌زنم . منم وقتی مهمانها می‌روند ، دق دلم را در می‌آورم و آنقدر آنها را می‌زنم که خسته می‌شوم و بهشان می - گویم که تا آدم نشوید شما رامیزنم ، باید کتک بخورید بهشان می‌گویم از فلانی یاد بگیرید که چه بچه خوب و مودبی است . آنها هم قول می‌دهند ولی چه فایده؟! باز هم وقتی مهمان می‌آید همان آش و همان کاسه و همان سر و صداها و همان شیطنت‌ها ، انگار نه انگار که کتک خورده‌اند . . .

از غصه این بچه‌ها سردرد گرفته‌ام ، می‌ترسم آنها همینطور بی‌ادب و حرف نشنو و لجباز بمانند . ملاحظه می‌کنید این مادر، خردسالانی و کوچکی فرزندان خود را احساس نمی‌کند و به نیازهای روحی و عاطفی آنان کمتر توجه دارد . نیاز به توجه و محبت یکی از نیازهای اصلی و روحی و عاطفی هر انسانی است زیور و کامل هم مانند همه انسانها - و بلکه بیش از بزرگها - به محبت و توجه نیاز دارند ، همانطور که به غذا و آب نیاز دارند ، همانطور به محبت و توجه نیاز دارند .

خوب است بدانید که درسیره و روش پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم توجه و احترام خاص و محبت به کودکان بوده است . خردسالان را بغل میکردند و بردوش می‌گذاشتند و می‌فرمودند : "کسی که با کودکان مهربانی و دلسوزی نکند ، ازمانیست" ایشان در سلام کردن نسبت به هم مخصوصاً "به کودکان پیشدستی و سبقت می‌گرفتند و می - فرمودند : "من پیوسته به کودکان سلام می‌کنم تا امت من به سیره و سنت من اقتدا کنند و آنها هم به کودکان سلام کنند . این روش





مهمان به فرزندان خود آنطور که باید توجه نمی‌کند ، شاید مهمانها هم توجه و محبت لازم را به کودکان مبذول نمی‌دارند در نتیجه کودکان ناخودآگاه برای جلب توجه و محبت مادر و مهمانان سرو صدا راه می‌اندازند و با اصطلاح مادرشان بی ادبی و حرف نشنوی و لجبازی می‌کنند .

از این مادر باید پرسید که : وقتی مهمان به منزل شما می‌آید ، آیا برای بچه‌ها جایی و حسابی باز می‌کنید؟ یا این که هم شما و هم مهمانان گرامی آنها را فراموش می‌کنید؟ وقتی سلام و پیش دویدن آنها میان احوالپرسی گرم و خنده‌های شادمانه شما با مهمانها گم می‌شود و به بچه‌ها کسی توجه نمی‌کند ، با آنها سلام و احوالپرسی نمی‌کنند . آنها هم این بی توجهی را با سروصدا و فریاد خود جبران می‌کنند و با آوردن

رسول خدا درسی آسمانی برای فرد فرد ما است . که به کودکان ارج نهمیم و بهتر و بیشتر به آنها توجه کنیم .

امام صادق علیه السلام در مورد محبت و توجه به کودک و فرزند می‌فرمایند :

"خدا بنده اش را بخاطر شدت محبتی که نسبت به فرزندش دارد مورد مرحمت قرار می‌دهد . " یقیناً " توجه و محبت به فرزند ، ما را پیش خدای متعال ماجور و محبوب می‌سازد و فرزندانمان را برای آینده‌ای پیروز و سر بلند می‌پرورد .

خوب است این نکته . دقیق راهم بدانید که در فرهنگ تربیتی اسلام ، این دو چیز با هم آموخته می‌شوند : نخست مهر و رحمت و توجه به



اسباب بازیها به میان اتاق توجه همه را بخود جلب می‌کنند .

بر خلاف عقیده مادر، این بچه‌ها آدم هستند و کتک خوردن آنها را از آدمیت دور می‌کنند و همانطور که در گزارش خود آورده‌اند ، کتکها

خردسالان و کوچکتران و دوم - احترام و توقیر بزرگتران و بزرگسالان ، ما باید ایندورا همراه هم به کودکانمان تعلیم دهیم و رفتارها و عاداتهای مناسب ایندو را هم به آنها بیاموزیم . بنظر می‌رسد مادر زیور و کامل هنگام ورود

سوم - مادر زیور وکامل بجای سرزنش و تذکر مکرر درحضور مهمانها بهکودکان خود توجه ومحبت کند وآنها را در پذیرایی ازمهمانها شریک نماید شاید به این ترتیب زودتر به نتیجه دلخواه خود برسد .

چهارم - مادر زیور وکامل از این به بعد اینطور فرزندان خود راکتک نزند ، این طور کتک زدن گناه محسوب می شود . و اگر بدن کودک قرمز یا کبود شود ، مادر مدیون است و باید دیه بپردازد .

پنجم - فرهنگ کودکان با فرهنگ ودریافت بزرگسالان تفاوت دارد ، آنها درمرحله پائینی قرارگرفته اند ، در سنین کودکی و مخصوصاً " تا هفت سالگی ، خوبی و بدی برای آنها معنا و مفهوم چندان روشنی ندارد ، باید باگفتن وبا مهربانی ونرمی گفتن ، باگفتن و با محبت تکرار کردن ، به زبان کودکی گفتن و بازگفتن به تدریج فرهنگ کودکان را بالا آورد تا آنها بفهمند و بدانند و با تعلیم های عملی مستمر و شیرین عادات خوب را در آنها ایجاد کرد .

ششم - در عین جدیت وجدی بودن ، زندگی را باید سهل وآسان گرفت و با شادمانی و نشاط به تربیت کودکان خود پرداخت در این صورت مبتلا به سردرد نخواهد شد و ترس و ناراحتی ایشان راآزار نخواهد داد .

هفتم - برای این که فرزندان خوب و لایق و صالح پرورید به آگاهی و آشنایی با مسائل تعلیم و تربیت نیاز دارید ، باید برای کسب آگاهی از تجربیات و آگاهیهای افراد بصیر وخبیر استفاده کنید .

بی تاثیر است ، نه ... بلکه تاثیر بدو منفی دارد و برای این مادر گناه محسوب می شود. هیچ مادری حق ندارد بچهاش را اینطور تنبیه کند . ملاحظه می کنید که این مادر بر اثر ناآگاهی و ناآشنایی با نیازهای فرزندش هم خود را خسته و آزرده می کند و سر دردمی گیرد وپیش خداگناهکار محسوب می شود وهم کودکان خود را از نظر جسمی و روحی رنجیده وآزرده می کند .

وقت بیشتری لازم است که به بررسی میزان فهم ودرک و بررسی نیازهای روحی و عاطفی و چگونگی عواطف و احساسات کودک پردازیم و توانائیهای او را دریادگیری و تربیت پذیری در سنین مختلف مورد تحقیق و تذکر قرار دهیم ، فعلاً " این چند نکته را ملاحظه فرمائید

زیور و کامل مثل همه بچهها ذات پاک و سرشت سالمی دارند ، هیچ کودکی ذاتاً " ناپاک به دنیا نمی آید ، پدر و مادر هستند که ذات پاک و سالم و توحیدی کودک خود را با رفتارهای نادرست خود تا سالم وآلوده می کنند .

دوم- اگر زیور وکامل کمتر از هفت سال دارند باید از آزادی بیشتری برخوردار باشند وبهین جهت از این که اسباب بازیهای خود را وسط اتاق می ریزند وجلوی مهمانها سروصدا میکنند ناراحت نباشید ، نه تنها اسباب بازی آنها را دور نیندازید ، بلکه یکی دوتا از آنها را به مهمانها نشان دهید وآنطور که آنها می خواهند شما ومهمانها به اسباب بازیها توجه کنید که توجه و احترام به اسباب بازیها توجه واحترام به آنهاست ... و بعدبه نرمی وآرامی بدون هیچ پرخاش وتندی وعصبانیتی از کودکان خود بخواهید که بروند و بازی کنند .